

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بيان مرحوم آقاي خوئي

عرض کردیم مرحوم سید یزیدی فروعی را در کتاب «عروه» ذکر می‌کنند که برخی از این فروع استفاده کرده‌اند که ایشان تمسک به عام در شبهه مصداقیه را جایز می‌دانند. روز گذشته دو فرع را بیان کردیم. فرع اول این بود که عموماتی داریم مبني بر آن که اگر در لباس مصلی خون کمتر از درهم باشد، اشکالی ندارد. این عمومات به دماء ثلاثه تخصیص خورده‌اند که اگر سر سوزنی از این دماء در لباس مصلی باشد، نماز خواندن با آن صحیح نیست. حال، اگر دمی در لباس مصلی وجود دارد و شک داریم که از دماء ثلاثه است یا نه؟ مرحوم سید فرموده است که در اینجا بر طبق عمومات عمل می‌کنیم و بنا بر عفو گذاشته می‌شود. مرحوم آقاي خوئي قدس سره بیان می‌کنند که می‌توانیم این فرع و فتوای سید را از راه استصحاب عدم ازلی درست کنیم.

به این بیان که: در اینجا یک موضوع مرکبی وجود دارد که یک جزء آن عنوان وجودی و جزء دیگر عنوان عدمی دارد. هنگامی که عمومات و این مخصص را کنار هم بگذاریم — (عمومات می‌گوید دمی که کمتر از درهم است، معفو است؛ و مخصص می‌گوید: دماء ثلاثه معفو نیست.) — یک موضوع مرکبی را تشکیل می‌دهد. جزء وجودی آن عبارت است از خونی که کمتر از یک درهم است و شخص نمازگزار آن را می‌بیند و بالوجدان آن را احراز می‌کند؛ و جزء عدمی آن نیز این است که آن خون، خون حیض یا نفاس یا استحاضه نباشد. این جزء را به وسیله استصحاب می‌تواند احراز کند؛ به این صورت که یک زمانی در ازل آن موقعی که اصلاً خون نبود، دم حیضی هم وجود نداشت، اکنون نیز عدم حیض بودن آن را استصحاب می‌کند.

لذا ایشان می‌فرماید: ما از این راه می‌توانیم این فتوا را تثبیت کنیم و بگوییم با استصحاب عدم ازلی احراز می‌کنیم که این دم از دماء ثلاثه نیست؛ و چون بالوجدان نیز احراز کردیم که این خون از یک درهم کمتر است، لذا معفو می‌شود. فرع دومی که مرحوم سید بیان کردند این بود که لباس نمازگزار باید پاک باشد و به هیچ نجسی آلوده نباشد. از این عمومات، خون در صورتی که کمتر از یک درهم باشد، استثناء شده است. حال، اگر نمازگزار خونی در لباس خود بیابد و شک کند که کمتر از یک درهم است یا نه؟ ایشان می‌فرماید که بنابر احتیاط این خون معفو نیست. مرحوم آقاي خوئي در این مورد نیز می‌فرماید: این فرع را نیز از راه دیگری می‌توانیم توجیه کنیم؛ از راه همان استصحاب عدم ازلی؛ می‌گوییم: ما شک داریم که آیا این دم اقل از درهم است یا نیست؟

استصحاب عدم ازلی می‌کنیم عدم کون هذا الدم أقل من الدرهم. ایشان بعد از آن که این دو فرع را جواب داده و تمسک به عام در شبهه مصداقیه را در این دو فرع رد می‌کنند، می‌فرمایند: ما یک شاهد خوبی داریم بر این که مرحوم سید تمسک به عام در

شبهه مصداقيه را جايِز و صحيح نمي‌داند؛ و آن شاهد، مسأله پنجاهم كتاب النكاح از كتاب «عروه» است. مي‌فرمايند: «إذا اشتبه من يجوز النظر إليه بين من لا يجوز بالشبهة المحصورة ، اگر فرض كنيد كسي كه نظر به او جايِز است مثل خواهر انسان، به همراه چند زن ديگر كه عنوان شبهه محصوره را دارند، در جايي نشستند و انسان نمي‌داند كه کدام يك از اينها خواهرش است، اینجا سيد فرموده: **وجب الإجتنب عن الجميع**، بايد از همه اجتناب كند و حق ندارد به هيچ کدام از آنها نظر كند.

وكذا بالنسبة إلي من يجب التستر عنه ومن لا يجب، اين در مورد زن است كه بايد تستر نمايد از كساني كه پوشش نسبت به آنها واجب است؛ حال، آن فرد مرد شود بين كساني كه تستر از آنها واجب است و كساني كه تستر نسبت به آنها واجب نيست، **وإن كانت الشبهة غير محصورة أو بدوية** ، هرچند شبهه غير محصوره باشد و يا شكش شك بدوي باشد. بعد مي‌فرمايد: **فإن شك في كونه مماثلاً أو لا، أو شك في كونه من المحارم النسبية أو لا، فالظاهر وجوب الإجتنب**، اگر انسان نمي‌داند يك موجودي زن است يا مرد؛ شخصي شك مي‌كند كه اين موجود در مقابل او، مماثل با اوست يعني مرد است تا نظر به او جايِز باشد يا زن است كه نظر به او جايِز نباشد و يا شك كند كه اين زن معين خواهر و از محارم نسبي‌اش است يا نه؟ ظاهر اين است كه در اين موارد نيز اجتناب واجب است.

بعد مي‌فرمايند: **لأن الظاهر من آية وجوب الغض – «قل للمؤمنين بغضوا من أبصارهم» – أن جواز النظر مشروط بأمر وجودي وهو كونه مماثلاً أو من المحارم**، جواز نظر مشروط به اين است كه مماثل و يا از محارم باشد، **فمع الشك يعمل بالمقتضي العموم** ، اگر انسان شك كند، به عموم وجوب غضّ نظر عمل مي‌كند. سيد مي‌فرمايد: يك عامي داريم كه مي‌گويد فقط در موردی كه فرد مماثل يا از محارم باشد، نظر جايِز است؛ بنابراین، اگر شك كرديم كه اين مورد مماثل يا از محارم نسبي است، به عمومات عمل مي‌كنيم. **لا من باب التمسك بالعموم في الشبهة المصداقية**، بيان مي‌كنند كه در اینجا نمي‌خواهيم از راه تمسك به عام در شبهه مصداقيه وارد شويم؛ **بل لإستفادة الشرطية الجواز بالمماثلة أو المحرمية أو نحو ذلك**، بلكه شرطيت جواز نظر را مي‌گوييم منوط به اين است كه مماثلت يا محرميت و يا مانند آن وجود داشته باشد. مرحوم آقاي خويي مي‌فرمايند: مرحوم سيد در اين مسأله تصريح کرده‌اند كه از باب تمسك به عام در شبهه مصداقيه نمي‌خواهند وارد شوند.

نظر استاد نسبت به فرمايش مرحوم آقاي خويي

نکته‌اي كه ما بر فرمايش ايشان داريم، آن است كه آنچه كه مرحوم سيد در كتاب النكاح ذكر مي‌كنند ردّ تمسك به عام در شبهه مصداقيه نيست. درست است كه ايشان مي‌فرمايد **«لا من باب التمسك بالعموم في الشبهة المصداقية»** ، اما معنای این عبارت آن نيست كه نظر قطعي سيد اين باشد كه تمسك به عام در شبهه مصداقيه صحيح نيست. ما مي‌توانيم از اين عبارت هر دو طرف را استفاده كنيم؛ منتهي مي‌گويد در اینجا دليل قويتري از تمسك به اصالة العموم در شبهه مصداقيه داريم؛ براي اينكه اصل در جايي است كه دليلي نداشته باشيم ولي در اینجا دليل مي‌گويد جواز نظر مشروط به اين است كه طرف مقابل مماثل يا محرم نسبي باشد.

بنابراين، ديگر نوبت به اصالة العموم نمي‌رسد. به هر حال، نمي‌توان گفت كه اين عبارت دليل بر آن است كه مرحوم سيد تمسك به عام در شبهات مصداقيه را قبول ندارد. شاهد بر اين مطلب، آن است كه مرحوم سيد در بحث وصيت به حج، در كتاب الحج مي‌فرمايند: اگر كسي وصيت كرد كه براي او حجي انجام دهند، اگر حشش واجب باشد، بايد از اصل مالش داده شود ولي اگر مستحبي باشد، از ثلثش بايد داد. حال، اگر ندانيم كه اين حج، حج واجب است يا حج مستحبي، اینجا چه بايد كرد؟ اختلاف شده است؛ صاحب رياض فرموده است كه از اصل مال بايد داده شود. دليل صاحب رياض عمومات وجوب عمل به وصيت است كه مقتضاي اين عمومات، خروج از اصل است؛ فقط حج مستحبي و اعمال مستحبي از ثلث خارج مي‌شود. چون در اینجا

نمی‌دانیم که این حج، حج مستحبی است یا واجب؟

به عمومات عمل می‌کنیم. مرحوم سید این مطلب را در عروه نقل می‌کند؛ بعد می‌فرماید: «لکنّه مشکلّ اشکال می‌کند و بعد در ادامه مطلب می‌فرماید مع أنّ الشبهة مصداقيه والتمسک بالعمومات فيها محلّ اشکال، شبهه مصداقيه است و تمسک به عام در شبهات مصداقيه محل اشکال است. ایشان صریحاً رد نمی‌کند که تمسک به عام در شبهات مصداقيه جایز نیست. نکته و شاهدهی که من در مقابل فرمایش مرحوم آقای خوئی می‌خواهم عرض کنم، این است که مرحوم سید لااقل تأمل دارد و از کسانی نیست که به صورت قطعی و مسلم بگوید تمسک به عام در شبهات مصداقيه جایز نیست. بعد از آن که یک مقداری اقوال روشن شد، گفتیم به قدما نسبت داده شده است که تمسک به عام در شبهه مصداقيه را جایز می‌دانند. اما نظر مشهور متأخرین این است که تمسک به عام در شبهه مصداقيه جایز و صحیح نیست. بیان کردیم که در مورد مخصص متصل تقریباً اجماع وجود دارد؛ ولی در مورد مخصص منفصل اختلاف شده است و مجموعاً سه نظریه در اینجا وجود دارد.

قول اول این است که تمسک به عام در شبهه مصداقيه جایز است مطلقاً؛ قول دوم این است که تمسک به عام مطلقاً جایز نیست؛ و قول سوم این است که بین مخصص منفصل لفظی و مخصص منفصل لبّی باید تفصیل داد. ابتدا باید ادله کسانی که می‌گویند تمسک به عام در شبهه مصداقيه صحیح است را بررسی کرد که اگر یکی از این ادله تام بود، بحث روشن می‌شود؛ اما اگر دیدیم این ادله تماماً مخدوش است، باید ببینیم بین مخصص لفظی و لبّی فرق است یا نه؟ مجموعاً در کلمات، برای جواز تمسک به عام در شبهه مصداقيه، سه دلیل ذکر شده است که یک دلیل در کلمات مرحوم آخوند خراسانی است؛ دلیل دوم از عبارات مرحوم محقق اصفهانی در حاشیه کفایه استفاده می‌شود و دلیل سوم از عبارات مرحوم محقق عراقی استفاده می‌شود؛ و باید هر کدام بررسی شود. إن شاء الله فردا. والسلام.